

تعلیقه‌های آیت الله العظمی مرعشی نجفی بر عمدة الطالب

محمد مرادی

عمدة الطالب فی أنساب أبي طالب، تألیف جمال الدین أحمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهتّا بن عنبة الأصغر الداودی الحسینی (متوفای ۸۲۸)، کتابی است در نسب نامه خاندان ابوطالب. نویسنده برای نسب‌شناسی خاندان ابوطالب، از شخص ابوطالب شروع کرده و اجداد او تا ابراهیم نبی و اولاد و احفای او را با ذکر فرزندان ابوطالب و از طریق هر یک از آنها، تا قرن نهم یعنی قرن حیات مؤلف بر رسیده است.

این کتاب از منابع مهم نسب‌شناسی بشمار می‌رود و از این رو، آیت الله مرعشی نجفی، فقیه و نسب‌شناس معاصر، بر این کتاب تعلیقه‌های بسیاری زده و آن را بس پر بار و بر کرده که می‌توان گفت به میزان خود کتاب، به او مطلب افزوده و آن را آکنده از اطلاعات ارزنده در زمینه رجال آل ابوطالب کرده، و بعلاوه، خطاهای گوناگون کتاب را نیز اصلاح نموده است.

از سنت‌های دیرپای فعالیت علمی در حوزه‌های علوم دینی، نگارش تعلیقه بر آثار پیشینیان و مشایخ صاحب نام است. کیفیت و کمیت این تعلیقه‌ها، به نسبت

رواج علوم و درس‌ها و نیز اهمیت و کارکرد یک دانش، متفاوت است. رایج‌ترین دانش در حوزه‌های علوم دینی، فقه و مقدمه آن، اصول فقه است، و از این جهت، حجم بسیار بالایی از حاشیه‌نگاری و تعلیقه‌نویسی‌های علمی به این دو رشته دینی اختصاص پیدا کرده است. تعلیقه‌ها عموماً برای یکی از سه کار: تبیین و تشریح یک متن پیچیده، نقد آن و یا اعلام نظر تعلیقه‌نویس دربارهٔ مطلب مورد بحث است. کتاب‌های درسی فقهی و اصولی حوزه‌ها، آکنده از این دست از تعلیقه‌ها است. این تعلیقه‌ها علاوه بر کارکرد علمی، نشان تبحر و توانایی تعلیقه‌نگار و حاشیه‌نویس در دانشی است که دربارهٔ آن اظهار نظر کرده است. عمق، عرض و طول مطالب یک تعلیقه، گواه بی‌چون و چرایی بر میزان توان استنباط و نیز اطلاعات نویسنده است.

تعلیقه‌ها در گذشته، عموماً در حوزهٔ مطالعات حوزویان و سبک نگارش آنها بوده، و اغلب با متن مصنّفات به چاپ می‌رسید. و خطاطان با ذوق و چیره‌دستی، در حاشیه کتاب‌ها، با هنرنمایی در خطاطی، نوشته‌ها را در قالب طرحی که اغلب در شکل یک ستون و یا گنبد بود، می‌نگاشتند. اینک اما، از آن دست از نقدها کاسته شده، و نقدها چه به صورت کلی و چه نقد ریز یک نوشته، غالباً جدای از متن انجام و به صورت مستقل چاپ می‌شود. این تفکیک، هر چند برای کاستن از هزینه و پیشرفت چاپ و نشر، و به صورت روز آمد انجام می‌شود، اما این مشکل را هم پدید می‌آورد که با جدا شدن نقدها از متن، و در نتیجه دسترسی نداشتن به متن، میان نقد و متن فاصله می‌افتد، و از دقت در داوری علمی می‌کاهد.

آنچه اما در این اثر صورت گرفته، تداوم همان سنت حسنهٔ دیرپای پیشینیان است که از سوی آیت الله مرعشی انجام شده و ایشان اولاً بر خلاف مشی رایج در حوزه، در نگارش تعلیقه بر کتاب‌های فقهی و اصولی و یا احیاناً کلامی، به کتاب نسب‌شناسی، تعلیقه نوشته، و ثانیاً دیدگاه‌های خود را در همان حاشیهٔ کتاب به نگارش در آورده است.

آیت الله معظم در زمینهٔ نسب‌شناسی در روزگار ما، بخصوص در حوزه‌های علوم دینی معاصر، شخصیتی منحصر به فرد بود و با تلاش فردی و زحمات‌های طاقت فرسا، این دانش را به دست آورده بود؛ دانشی که نیاز به اطلاعات فراوان و حافظه‌ای

قوی دارد، تا بتوان شاخه‌های گوناگون انساب مردمان و طوایف را در عرض و طول شناسایی کرد و به شاخه و ریشه اصلی رساند. دانش نسب‌شناسی، در حقیقت دانش هویت مردمان است. بخصوص آن‌گاه که شجره افراد و طوایفی به نسل پاک پیامبر گرامی می‌رسد و سبب فضیلتی می‌گردد و یا حکمی فقهی بر آن مترتب می‌شود، از اهمیت دو چندان برخوردار می‌شود. و بسیاری در صدد تعیین وضعیت و شجره‌نامه خود هستند تا نیاکان خود را بشناسند و نسب خود را باز یابند.

این تلاش ستودنی آیت‌الله معظم، که کار اصلی اش تدریس و افتا و رسیدگی به امور شرعی مردمان بود، نه از سر تفنن که از سر اهتمام ویژه او به دانش بود. او اهل دانش بود و هیچ چیزی در تمامی عمرش، نتوانست مانع دانش اندوزیش شود. عشق وافر او به دانستن، هم این رشته پر پیچ و خم و ناگشوده را برای او به ارمغان آورد، و هم ولعش به علم، سبب گردآوری منابع فراوان و سرانجام تأسیس کتابخانه بزرگ و بی‌نظیری شد که اکنون هنگامی که در برابر آن می‌ایستیم، در مقابل عظمتش، سر تعظیم فرود می‌آوریم.

آیت الله مرعشی در فعالیت‌های علمی تلاشی مثال زدنی و بی‌وقفه داشت، و چنان بود که حتی در سفر سیاسی هم دنبال کار علمی بود. او در همین تعلیقه در رابطه با جعفر الملک الملتانی، یکی از شخصیت‌های مطرح در این کتاب، نوشته که در سفری به تهران، جهت استخلاص علما از دست حکومت، در کتابخانه شخصی میرزا فخرالدین نصیری مطلبی را دیده و در اینجا آورده است (ر.ک: تعلیقه ص ۳۵۸).

نکته مهمی که این تعلیقه‌ها نشان می‌دهد، حافظه قوی تعلیق‌نگار و ارتباط دادن نسل‌های زیاد آل ابوطالب است که بتدریج پدید آمدند و بیش از چهارده قرن زاد و ولد داشته و در اقصا نقاط عالم پراکنده شدند. وی اعقاب بسیاری از افراد بنام این خاندان را بعد از قرن نهم هم یافته و به رغم پراکندگی جغرافیایی، ارتباط آنها را با پیشینیانشان برقرار کرده است. این تنها گستردگی دانش وی در این زمینه نیست که می‌تواند به چنین اقدام مهمی همت بگمارد، بلکه حافظه قوی و انسجام ذهنی نیز از ضرورت‌های آن است.

نکته دیگری که این تعلیقه‌ها یادآوری می‌کند، نظام فعالیت علمی و نگارش

محشی است. او نوشته‌های خود را، با خطی خوانا و خوش و منظم انجام داده و در قالب اوراق ضمیمه به کتاب افزوده است. نوشته‌ها از چنان نظم و نسقی برخوردارند که هر مراجعه کننده‌ای به راحتی می‌تواند ارتباط مطالب را کشف کند. مطالب کوتاه با علامت ریاضی و سیاق در حاشیه همان صفحه نوشته شده و مطالب طولانی‌تر در صفحات ضمیمه نگاشته شده‌اند. برای درهم آمیخته نشدن نوشته‌ها، معمولاً عبارت‌ها و نوشته‌ها با کلمه «انتهی» به پایان برده شده است. گاهی نوشته‌ها صددرصد بدون خط خوردگی است که با توجه به این که ایشان آنها را بدون پیش‌نویس نوشته است، حاکی از دقت و احاطه تحسین برانگیز نویسنده است. در آن دسته از مطالب منقول که دارای سلسله سند بوده، همه را با حوصله تمام با ذکر سند نقل کرده است. گاهی برای روشن شدن سلسله نسب، شجره‌نامه هم کشیده است (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۰ و ۲۳۱). وی در مواردی مطالب خود را زیر عنوان فایده نوشته است (برای نمونه، ر.ک: تعلیقه ص ۱۴: فوائد فی ترجمه ام هانی، و ص ۱۶: فوائد فی حق عقیل بن ابی طالب).

وی در برخی تعلیقه‌ها نام خود را در پایان آنها نوشته و در برخی دیگر نوشته است. در پایان تعلیقه‌ها از خود، گاهی به: شهاب الدین الحسینی، گاهی به: شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی، یاد کرده است. و در برخی نیز تاریخ یادداشتن را ذکر کرده، ولی اغلب آنها بدون تاریخ است. در این نوشته‌ها، امضای سید حسین الطباطبائی هم به ندرت به چشم می‌خورد.

معظم له در این تعلیقات، گاهی مطالبی پراکنده‌ای را درباره خود نیز قلمی کرده است. برای نمونه آنجا که از ابوالحسن عسکری، راوی کتاب مسائل علی بن جعفر سخن گفته، و این که کتاب او موجود است، نوشته: نرویها بالإجازة عن الولد العلامة شرف العترة و جمال الأسرة شمس الدین محمود الحسینی المرعشی النجفی المتوفی فی ۱۳۳۸، و هو بطرقة الی شیخ الطائفة، بطرقة الی علی بن جعفر العریضی. و قرأت النسخة بتمامها علی شیخنا العلامة الزاهد خادم مشهد الإمامین العسکریین، المیرزا محمد بن رجبعلی الطهرانی نزیل سرّ من رأی و هو یرویها عن شیخه العلامة الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی بطرقة الّتی أوردھا (ر.ک: ص ۳۰۱). همین طور در جای دیگری، سلسله راویان خود را به امیر عبدالقادر

الجزائری نوشته است: فائى أروى بالإجازة عن العلامة الشيخ محمد بهجة البيطار الدمشقى، عن العلامة عبدالرازق البيطار صاحب الحلية، عن الشريف الأمير عبدالقادر المترجم (ر.ك: تعليقات ص ۱۴۸).

این تعلیقه‌ها، در ضمن نشان شیفتگی کامل و مشهود آیت الله مرعشی به خاندان اهل بیت است، آنجا که به بررسی نسل و نسب امامان اهل بیت می‌رسد، تنها به ذکر نسب بسنده نمی‌کند، بلکه از منابع عامه، مطالب بلندی را در شأن و شخصیت و فضایل آنان نقل می‌کند و جایگاهشان را از منظر دینی قلمی می‌کند. این موضوع بخصوص در معرفی ذریه‌های امام حسین و امام سجاد بوضوح عیان است. او مطالب مفصلی را از کتاب‌هایی نظیر کتاب فاضل از مبرّد، تذکرة الحفاظ نوشته ذهبی، و المحبّر از ابن حبیب، در شأن امام زین العابدین نقل کرده است (ر.ك: تعلیقه ص ۱۸۱). همین‌طور از منابع دیگر، در شأن دیگر اعضای خاندان امام حسین مانند سکینه و فاطمه بنت الحسین، مطالبی را آورده است. نیز مطلبی از الفتوحات المکیه ابن عربی را با واسطه نقل می‌کند و یادآوری می‌نماید که به دلیل اهمیتش آن را ذکر کرده است. آن مطلب چنین است: قال شیخ محیی الدین العربی رحمه الله تعالی: الذی أقول به، انّ ذنوب أهل البيت انما هی ذنوب فی الصورة لا فی الحقیقة، لانّ الله غفر لم بذنوبهم بسابق العنایة لقوله تعالی «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهّركم تطهیراً»، و لا رجس أرجس من الذنوب... و ان أخذوا أحد منهم أموالنا و لم یعطوها، لا ینبغی لنا حبس أحد منهم و لا رفعه الی حاکم لانه بضعة من رسول الله (ر.ك: تعليقات ص ۲).

از ثبت تاریخی در این تعلیقه‌ها، به دست می‌آید که معظم له، گویی یک بار این کتاب را با نسخه و یا نسخه‌هایی تطبیق و اصلاح و غلط‌گیری کرده و موارد بسیاری از خطاهای کتاب را - که پر شمار هم هست - بر طرف نموده است. برای نمونه، در صفحه ۱۵۳، یادآوری کرده که از این نسخه، برای نسخه دیگری استفاده کرده است: وقد ذكرت هذا الأبیات فی نسخة من المتن معتمدة صحیحة. در صفحه ۳۱۱ نوشته است: فی نسخة هكذا: محمد بن الأکرم؛ نیز در صفحه ۳۲۰ درباره ابو الفرج محمد بن ابو الغنائم، نوشته است: محمد بن ابی الغنائم محمد بن ابی الفرج، هكذا فی نسخة و الله اعلم. ایشان در برخی از یادداشت‌هایش در حواشی همین کتاب، از تصحیح آن یاد کرده است. و قد صحّحناه، فراجع (ص ۳۰۰). برای مقابله و اصلاح خطای چاپی آن، در پایان کتاب نوشته

است: تمّ مقابلته علی نسخه ابن محفوظ فی ربیع الاول ۱۳۷۱. او همچنین از کتاب عمده کوچکی یاد کرده که آن را نیز تصحیح کرده است: و الموجود فی عمده الصغری هكذا له عقب و منهم شرف الدین الخ، و قد صحّحناه، فراجع (ص ۳۰۰). و در حاشیه مطلبی درباره شرف الدین احمد بن محمد شعرانی، نوشته است: و منهم أبو الحسن علی بن فخرآور بن شاه داعی... شعرانی، هكذا فی عمده الطالب الصغری للمؤلف (ص ۳۰۰).

تاریخ نوشت‌های آیت الله مرعشی، نشان می‌دهد که وی چند بار و در طول زمان‌های مختلف، بر این کتاب حاشیه نوشته است. این تاریخ‌ها در این تعلیقات به چشم می‌خورد: ۱۳۵۸ (ص ۱۲۴)، ۱۳۶۲ (ص ۱۱۷ و ۱۵۱)، ۱۳۷۷ (ص ۱۰۵).

نوع دیگر نوشته‌های آیت الله، افزودن مطالب انبوهی است بر متن و باز کردن شاخ و برگ جدیدی بر شاخه‌های پیشین، و یا تطبیق کردن موارد ذکر شده، بر یک خاندان. حجم بزرگی از اطلاعات درباره خاندان‌های گوناگون ایجاد شده، که غالباً با استفاده از کتاب‌های مختلف صورت گرفته است. و این البته همه ماجرا نیست. او در این یادداشت‌ها، تنها به نقل مطالب بسنده نکرده، بلکه با ذکر دقیق مأخذ، نام نویسنده و نیز ذکر صفحات و گاهی ناشر و نیز تاریخ چاپ، و گاهی اشاره به مکان چاپ، و نیز عکسی و یا خطی بودن مصدر، کار خود را در حد یک کار کلاسیک و در سطح بالا به انجام رسانده است.

حجم تعلیقه‌ها بسته به موضوع و شخص مورد بحث، متفاوت است: کوتاه در حد یک کلمه و حتی گاهی یک حرف، متوسط، و بسیار گسترده. مثلاً درباره محمد بن حنفیه، ۳۲ صفحه، در نسل و اعقاب او نیز بالغ بر ۳۰ صفحه (ر.ک: تعلیقات ص ۳۴۵)، تعلیقات مربوط به عمر اطراف بن علی بن ابی طالب، بالغ بر ۳۰ صفحه (ر.ک: تعلیقات ص ۳۵۵)، درباره محمد بن علی و علی بن عریضی بالغ بر ۵۰ صفحه (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۱)، و برای صفحه ۲۳۵ که نام چندتن مانند عیسی رومی، آل سقاف، آل با علوی و محمد دیباج آمده، حدود ۷۰ صفحه تعلیقه نوشته شده است. نوشته‌های کوتاه معمولاً در حاشیه همان صفحات کتاب نگاشته شده و مطالب بلند، در صفحاتی مجزا به نگارش درآمده است.

حاشیه‌های این نسب‌شناس دانشمند نشان می‌دهد که وی از اطلاعات بسیار گسترده و عمیقی برخوردار بوده است. منابع مورد استفاده در این تعلیقه‌ها نیز بر این

واقعیت مهر تأیید می‌زند، و این حقیقت را آشکار می‌کند که این تعلیقه‌نگار، بخصوص در کتاب‌شناسی ید طولایی داشته و با داشتن موقعیت اجتماعی بی‌نظیر و مرجعیت و اشتغال به تدریس دروس خارج در حوزه علمیة قم و دیگر خدمات اجتماعی، فرهنگی و دینی، هرگز از کتاب و مطالعه باز نمانده و بلکه مطالعه و نگارش را مشغله اصلی خود قرار داده است. کتاب‌های مورد استفاده در این تعلیقه‌ها، از مراجعه گسترده وی به آثار زیاد حکایت دارد، که به راستی شگفت‌آور است، و چنین امر مهمی، با نبود امکانات نرم‌افزاری و نیز در دسترس نبودن کتاب‌های لازم، نشان می‌دهد که آیت الله به مثابه یک کتابخانه سیار، از معلومات زیادی در حوزه کاری خود برخوردار بوده و مانند نسب‌شناسیش، دانش کتاب‌شناسی مثال زدنی هم داشته است. نگاهی گذار به این تعلیقه‌ها نشان می‌دهد که او در زمان خود کتاب‌شناس ماهر و حتی بی‌نظیری بوده است. چه این که کسی در موقعیت ایشان، بتواند به حجم بسیار بالایی از منابع برای به دست آوردن مطالب مورد نیاز مراجعه کند، حکایت از حجم گسترده کتاب‌خوانی او دارد، به گونه‌ای که به راحتی می‌توانسته به کتاب‌های فراوانی مراجعه نماید و اطلاعات مورد نیازش را به دست آورد. او تنها به این بسنده نکرده، بلکه کتاب‌های خارج از دسترسش را هم با زحمات فراوان تهیه می‌کرده است. او حتی برای انجام کاری شایسته، از نسخه‌های منحصر به فرد نیز بهره گرفته است. چنان که از نسخه‌ای در کربلا از خاندان آل اللطیف مطلب نقل کرده است: ما استفدته من مشجرة السيد الاستاذ، و النسخة موجود فی کربلا عند آل اللطیف و عندهم نسخة قديمة (ر.ک: تعلیقه صفحه ۲۲۱).

آیت الله مرعشی، مطالبی از این کتاب را با ذکر مصادر فراوانی مستند کرده و نقیصه عدم ذکر مأخذ در کتاب را تا حدودی بر طرف کرده است. معظم له، پاره‌ای از اطلاعاتش را از نوشته‌های کتاب‌هایی که در کتاب‌خانه‌های شخصی بوده و آنها را دیده، نوشته است، و قد رأيتها فی خزانه الفاضل المعاصر المیرزا فخر الدین النصیری الحسنی الراوندی فی ربیع الثانی ۱۳۸۳ زمن اقامتی بطهران لاستخلاص العلماء المحبوسین بأمر الشقی ملک ایران و دفع المنکرات الشرعیة (تعلیقه ص ۳۰۴).

منابع تعلیقه‌نویس، طیف بزرگی از نوشته‌های عالمان اسلامی از شیعه و سنی و دیگر فرقه‌های اسلامی است. او برای این فعالیت علمی، هیچ محدودیتی نداشته

و حتی در ذکر نام افرادی خارج از حوزه اعتقادات خود، مشی کاملاً عالمانه‌ای اتخاذ کرده و نگاه منفی نداشته است. او از هر نوشته‌ای که بتواند در تکمیل یک اثر علمی به او مدد برساند، سود برده است. در این حواشی نویسنده از کتاب‌های خطی و حتی دست نوشته‌های افراد و نیز از نسخه‌های عکسی استفاده کرده است. در جایی چنین نوشته است: و رأیت فی مشجرة کانت للسید علی أكبر بن السید الحسن الحسینی و کتبها بخطه هكذا (ر.ک: تعلیقات ص ۲۲۴). نیز در حاشیه بر علی بن اسماعیل بن جعفر: هكذا فی هامش النسخة المخطوطة (ص ۲۳۰). و در جای دیگر: و کتاب الألهان من أحسن الکتب الأدبیه الّتی رأيتها و النسخة لازالت مخطوطة فی خزانه کتب الأديب شاعر آل الرسول السید جهانگیر خان المرندی ناظم الملک نزیل قم المشرفه (تعلیقات ص ۲۱۴). و همین طور از نسخه‌ای خطی از کتابخانه دانشگاه تهران یاد کرده است. من النسخة المخطوطة فی خزانه کتب کلیة بطهران. (ر.ک: تعلیقات ص ۳۲۳). و برای نقل مطلبی از تفسیر نه‌ایه البیان، از نسخه خطی آن که در کتابخانه چستر بیتی ایرلند نگهداری می‌شود، استفاده کرده است: فی نه‌ایه البیان فی تفسیر القرآن العظیم ج ۸ ص ۸، نسخه مکتبه چستر بیتی بایرلند (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۵). و نیز نقل مطالبی از نسخه خطی تحفة الکرام که در کتابخانه ایشان نگهداری می‌شود: فی کتاب تحفة الکرام... و النسخة مخطوطة فی مکتبتنا العامة (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۵).

منابع وی در این نوشته، طیف گسترده‌ای از آثار دینی و تاریخی را شامل می‌شود. او از هیچ اثری برای پر بر و بار کردن تعلیقه‌های خود فرو گذار نکرده است. تنها برای نمونه، مصادری که آیت الله در تعلیقه‌های خود مورد بهره‌برداری قرار داده، این گروه‌ها هستند:

حدیث، مانند: المحاسن برقی، علل الشرایع، معانی الأخبار، کتاب من لایحضره الفقیه، إكمال الدین محمد بن علی بن الحسین الصدوق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار محمد باقر مجلسی، کافی محمد بن یعقوب کلینی؛

مناقب، مانند: مناقب خوارزمی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب گنجی، مناقب الشافعی أبو حاتم الرازی؛

طبقات، مانند: الطبقات ابن سعد، طبقات الحنابلة أبو الفرج عبدالرحمان بغدادی، بغیة الوعاة سیوطی، الجوهر المکنون فی معرفة القبائل و البطون؛

عرفان، مانند: لطائف المنن نوشته عبدالوهاب شعرانی، به نقل از الفتوحات المکیة محیی الدین بن العربی؛

علوم حدیث، مانند: معرفة علوم الحدیث حاکم نیشابوری؛

کلام، مانند: دلائل النبوة أبو نعیم اصبهانی؛

نسب شناسی، مانند: جمهرة نسب قریش زبیر بن بکّار، تحفة الأزهار و زلال الأبرار سیّد

ضامن بن شدقم، المردفات من قریش علی بن محمد مدائنی؛

تفسیر، مانند: معالم التنزیل أبو محمد بغوی؛

کشکول، مانند: الاوائل، الحسن بن عبدالله بن سهل العسکری؛

لغت، مانند: نهاية الارب نویری، الجمهرة ابن درید؛

دیوان شعر، مانند: خريدة القصر، عماد اصبهانی؛

فقه، مانند: أحكام الأوقاف قاضی أبوبکر أحمد بن عمرو الشیبانی؛

تراجم، مانند: تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی، میزان الاعتدال ذهبی، الوافی بالوفیات

صفدی، الکنی و الألقاب دولابی، الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة أحمد بن حجر عسقلانی،

شذرات الذهب أبو الفلاح عبد الحئی بن عماد حنبلی، الضوء اللامع فی رجال القرن التاسع شمس

الدین سخاوی، حلیة البشر فی رجال القرن الثالث عشر عبدالرزاق بیطار، ریاض الجنة میرزا

حسن زنوزی خوئی؛

معاجم، مانند: معجم الشعراء مرزبانی، البلدان احمد بن یعقوب، المعجم الكبير طبرانی؛

رجال، مانند: الرجال أبو عمر الکشی، الجرح و التعديل أبو حاتم الرازی، تبصیر المنتبه أحمد

بن حجر عسقلانی، تکملة الرجال عبد النبي کاظمینی؛

تاریخ، مانند: اسد الغابة أبو الحسن بن علی بن اثیر جزری، غاية المرام فی تاریخ محاسن

بغداد شیخ یاسین بن خیر الله، صلة التاريخ الطبری عریب الاندلسی، المغرب عن أخبار المغرب

أبو علی حسین بن أبی سعید قیروانی، البیان المغرب فی أخبار الاندلس و المغرب ابن عذاری

المراکشى، التبر المسبوك شمس الدین السخاوی، الاعلاق الخطيرة فی تاریخ الشام و الجزيرة

ابن شدّاد حلبی، تاریخ مدينة دمشق ابن عساكر، إعلام الوری بأعلام الهدی فضل بن حسن

طبرسی، تاریخ بغداد احمد بن علی خطیب، تاریخ گیلان سید ظهیر الدین مرعشی.

اینها تنها نمونه‌هایی از صدها کتابی است که در این تعلیقه‌ها مورد استفاده قرار

گرفته است.

گستره تعلیقه‌های آیت الله مرعشی را در این کتاب، علاوه بر نسب‌شناسی افراد، شامل مطالب زیر است:

۱. تصحیح متن و مقابله کتاب با نسخه‌های دیگر. در این مقابله، آیت الله مرعشی همانند یک مصحح دقیق النظر سطر به سطر کتاب را خوانده و اشکالات آن را اصلاح نموده و در حاشیه کتاب، خطاهای آن را یادداشت کرده است. این اصلاح و مقابله، براساس نوشته‌های ایشان، تنها با یک نسخه نبوده و گویی از دو و یا چند نسخه بهره گرفته است. همین طور تعیین نسخه بدل‌ها نیز حاکی از همین واقعیت است (ر.ک: صفحات ۴، ۷، ۹۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۵۲، ۲۷۷، ۲۷۹). و عبارات و متن‌های زیادی را هم تکمیل کرده است. مانند افزودن کلمه «ما» در عبارت «کثیراً یتعصب» (ص ۲). نیز تبدیل کلمه «اتصالهم» به «اتصالاتهم» (ص ۲). همین طور تصحیح این شعر:

فتی کان تحمیه من الضیم نفسه و ینجیه من دار الهوان اجتنابها

در تعلیقه بر این شعر، به جای کلمات «تحمیه» و «نفسه»، پیشنهاد کرده که نوشته شود: «یحمیه» و «سیفه». نیز در حاشیه عبارت «و آل ابی زید نقباء البصرة» نوشته شده، الظاهر الموصل، بدل بصره (ص ۱۷۷). تصحیح‌ها، تنها اصلاح کلمات و عبارات‌ها نیستند، بلکه برطرف کردن نقیصه‌ها و کاستی‌های علمی نویسنده نیز هست. برای نمونه، مؤلف درباره ابراهیم قتیل باخمیری و نسل او، نوشته که نسل وی تنها از ناحیه پسرش حسن بوده و از سوی دیگر افراد خاندانش نسلی نداشته‌اند: و عقب ابراهیم من ابنه الحسن، لا عقب له من غیره. محشی به نقل از کتاب المحبّر، این گفته مؤلف را نادرست دانسته و نوشته است: فی سرد أبناء الجیشیات، انّ منهم محمد و جعفر ابنا ابراهیم بن الحسن المثنی (ص ۹۷). و درباره نسل عمر الاشرف و این که نسل او تنها از یک شخص به نام علی الاصغر المحدث بوده (فأعقب عمر الاشرف من رجل واحد و هو علی الاصغر المحدث)، با استفاده از منابع متعدد، افزوده که کسانی چون نجاشی، شیخ طوسی، ابو حاتم رازی، مرزبانی، در یاد کرد از عمر الاشرف، از پسری به نام محمد سخن به میان آورده‌اند (ر.ک: تعلیقات ص ۲۹۸).

۲. تعیین شاخصه یک اسم و یا لقب مجمل، و یا ضمیر مبهم. گاهی در نوشته‌های مؤلف نام کسانی آمده و یا اشاره به چیزی شده که مشخص نیست آنان کیستند و یا

موضوع چیست؟ مانند عبارت «فعاد أصحابه الا قليلاً فظن أصحاب موسى أنهم انهزموا». در حاشیه این عبارت نوشته شده است: عیسی بن موسی (ص ۹۶). و به این ترتیب مشخص شده که منظور از موسی، عیسی بن موسی است. همین طور در عبارت «فعبه من ابراهیم» به آن ابن محمد افزوده شده تا معلوم شود که منظور ابراهیم بن محمد است (ص ۹۷). همین طور در این بخش، تلاش شده تا اسامی مشابه و مشتبه از ابهام خارج شوند. برای نمونه در تعلیقه‌ای درباره حسین الأصغر مکتبی به ابو عبدالله، نوشته است: و مراده من الحسين، هو الصغير المترجم هنا، فلا تغفل (تعلیقات ص ۳۰۴). نیز در عبارت حدّثنی الحسين بن علی بن الحسين قال: مات أبی علی بن الحسين، نوشته است: و مراده من الحسين المحكى عنه، الحسين الأصغر بن الامام السجّاد (ص ۱۸۲). همین طور درباره عبارت «فكان له (لطيف بن ركن الدين محمد) ابنتان خرجت احدهما الى السلطان سعيد شاه شجاع» نوشته شده: اسمها خان زاده خانم (ص ۱۷۴). و نیز در بحث ملک عزیز بن آیوب صاحب اليمن، اشاره کرده به طغتكين (ص ۱۱۸). همین طور درباره لقب ناصر در خانواده مانكديم بن محمد اعرابی، نوشته است: لا يخفى على البحاثه النقاب، انّ الملقب بالناصر فى هذا البيت الجليل جماعة منهم الناصر الكبير الذى يذكره المصنّف وكان من أصحابنا كما فى رجال النجاشى، و الناصر الصغير من أحفاده و الناصر الذى ذكره الفارسى.. و هنا ناصر آخر من علماء الزيدية اسمه المذكور فى كتبهم (ر.ک: تعلیقات ص ۳۰۱).

۳. تکمیل مطالب، عبارت‌ها و یا دلایل ناقص نویسنده درباره یک نظریه. در متن عمده الطالب، گاهی عبارت‌هایی بسیار کوتاه و فشرده نوشته شده و غالباً برای خواننده تشخیص آنها مشکل، و نارسای به مقصود است. تعلیقه‌نویس آن عبارت‌ها را کامل و از ابهام خارج کرده است. مانند: عبارت «فقال: الحمد لله... أنزلونى، و كان آخر أمره...» که پس از عبارت «أنزلونى» نوشته شده است: فأنزلوه (ص ۹۶). همین طور در اجلال نسب خاندان پیامبر، مؤلف تنها به قرآن استناد کرده و نوشته: ودلّ عليه القرآن، و آیت الله مرعشی، کلمه «و الحدیث» را هم به آن افزوده است (ص ۲). بسط مطالبی که به اجمال بسنده شده است. مثلاً درباره فوائد علم نسب‌شناسی، مؤلف اشاره کوتاهی به آن کرده، و تعلیقه‌نویس ده سطر درباره فوائد این علم قلمی کرده است (ص ۱). درباره تاریخ تولد امیر عیسی بن جعفر، پادشاه حجاز، نوشته است: کانت ولادة الامیر

عیسی هذا ۳۷۰، كما في المشجرات (ص ۱۲۱). و درباره حرة به مناسبت ذکر عبدالله جعفر قتیل الحرة، نوشته است: الحرة وقعة بحنين (ص ۵).

۴. ترجمه لغات مشکل و یا اصطلاحات ناگویا. گاهی مطالبی در عمده الطالب قلمی شده که از کلمات دشوار استفاده گردیده و یا عبارات‌های سنگین و مجمل به کار رفته، و تعلیقه‌نگار کوشیده که مشکلات و اجمال‌ها را بر طرف کند. مانند کلمه «بحشل» که نوشته است: بحشل كجعفر و البحشلی من الرجال الأسود الغلیظ من البحشلة و قال بن الاعرابی: بحشل الرجل اذا رقص رقص الزنج. نیز «الهجان»، معنی شده به: الرجل الحسیب، و الهجین، الرجل اللثیم (ص ۲) و در توضیح واژه «الاجدام»، نوشته شده: الجذم بالكسر، الاصل و یجمع (ص ۲).

۵. افزودن اطلاعاتی درباره جایگاه اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی یک شخصیت، و به دیگر سخن، شرح رخداد‌های مربوط و ترجمه‌نگاری افراد مورد بحث. مؤلف عمده، گاهی تنها به اشارات طایفی و نسبی افراد مورد بحث بسنده کرده و از این رو خواننده درباره آنان اطلاعات نسبی به دست می‌آورد، و درباره ابعاد گوناگون یک شخصیت نکته‌ای عایدش نمی‌شود. تعلیقه‌نگار کوشیده است علاوه بر اطلاعات نسب‌شناسی، اطلاعات جنبی فراوانی را درباره افراد بیفزاید و جنبه‌های علمی - اجتماعی یک شخص عالم و فعال را و یا شخصیت معنوی مانند امام را بنمایاند. مانند حواشی که درباره محمد صوفی صالح، از اعقاب عمر الاشرف، نوشته، و یادآوری کرده که وی از خراسان به طالقان آمد و به امامت امام رضا دعوت می‌کرد. عده‌ای به وی گرویدند و میان او و نیروهای عبدالله بن طاهر چند بار درگیری شد. سرانجام شکست خورد و بنا به درخواست مردم برخی از نواحی خراسان، به آنجا پناه برد، و در شهر نساء دستگیر و پیش عبدالله بن طاهر فرستاده شد و از آنجا به دربار معتصم اعزام گردید و در سامرا زندانی شد. درباره چگونگی شکست و دستگیری و زندانی شدن او و مکان زندانش نیز حرف‌های دیگری را نقل کرده است (ر.ک: تعلیقه‌های ص ۲۹۹). نیز درباره موسی الجون، از اختفای او در بصره و دستگیر شدنش از سوی منصور دوانقی و گذشت منصور از او مطالبی نوشته و نمونه‌هایی از اشعار او را هم نقل کرده است (ر.ک: تعلیقه‌های ص ۹۸). و درباره محمد دیباج، پسر امام صادق بالغ بر سی صفحه مطلب درباره فعالیت‌های او، مانند نقل حدیث،

زیباییش، اقامتش در مکه و دعوت به خود، و بیعت مردم حجاز با او و درگیری نظامی با حکومت و سرانجام دستگیری و اعزامش به بغداد، سخن گفته است (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۵). همین طور درباره امیر عبدالقادر الجزائری از اعقاب محمد ادریس، ضمن ذکر شجره‌نامه وی، از مکان ولادت او و تاریخ آن (۱۲۲۲ هـ)، و درس‌هایش و این که بزرگانی برای بیعت با وی در وادی فروحه گرد آمدند، و امیر مؤمنان نامیده شدنش، و جنگ‌های وی با فرانسویان و ضرب سکه به نام او، و فرجامش را یاد کرده، و در پایان از جویندگان اطلاعات خواسته که به کتاب‌های صفوة الاعتبار تونسسی، الکوکب الزاهر محمد باشا حسنی و تاریخ ابن النصف مراجعه نمایند. نیز در ادامه از فضایل او یاد کرده و نوشته: ان المترجم كان من مفاخر القرن الثالث عشر علماً و أدباً و نبلاً و شهامة و جلاله بل يعدّ من وجوه العلویین و غرهم فكم له من جهاد مع الکفار و محامة عن الدین - حشره الله مع أجداده الميامین - (ر.ک: تعلیقات ص ۱۴۸). نیز درباره فاطمه دختر امام حسین و ازدواج او و مقام علمی و اولاد و فعالیت‌هایش، گسترده سخن گفته است (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۰).

۶. معرفی شخصیت علمی و آثار قلمی و توانایی ادبی افراد. حاشیه‌نگار، در راستای تبیین ابعاد علمی افرادی که در عمده از آنها یاد شده، کوشیده چهره علمی این گروه از نسل ابوطالب را بشناساند. معرفی اثر علمی اعم از تاریخ، تفسیر، حدیث، فقه، رجال، نسب‌شناسی و چونان این آثار در این تعلیقه‌ها بسیارند. تنوع نوشتاری در این زمینه بس زیاد است و نویسندگان اطلاعات فراوانی را در اختیار خوانندگان می‌گذارد. برای نمونه درباره ابوالحسن محمد بن الزاهد بن عبیدالله که نقیب هرات بوده، نوشته است: هو صاحب کتاب بیان الدیان، و در ادامه آورده که: و يظهر منه، کون الرجل من العامة (ص ۳۲۳). نیز درباره سید محمد امین بن عابدین یادآوری کرده که صاحب الحاشیة الکبری علی الدر المختار در فقه است، و کتابی در فهرست به نام العقود اللثالی فی الأسانید العوالی به نام او ثبت شده است (ر.ک: تعلیقات ص ۲۲۸). همین طور در یاد کرد از ابوالحسن عسکری، نوشته که وی راوی مسائل علی بن جعفر عریضی بوده است (ص ۳۰۱). نیز در ذکر آثار قلمی حسن بن علی ادیب که از امام زیدی است، آمده: له کتب: منها کتاب الطهارة، و کتاب الصیام و کتاب المناسک و کتاب الزکوة و کتاب السیر و کتاب الأیمان و الذنور و کتاب الرهن و کتاب بیع امتهات الأولاد و کتاب

القسامة و کتاب الشفعة و کتاب الغصب و کتاب الحدود و غیرها، کلاًها علی فقه الزیدیه (ص ۳۰۳). نیز دربارهٔ أسعد بن علی بن معمر، نوشته است: انّ من تألیف المترجم، کتاب الجوهر المکنون فی معرفة القبائل و البطون (ص ۳۱۳). دربارهٔ عبدالله بن ادیس، نوشته است: له کتب؛ منها کتاب العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین (تعلیقات ص ۱۴۹). طرفه این که گاه در معرفی آثار، از برخی آثار به جا مانده از گذشته یاد کرده و نوشته که در کجاینگه داری می شود: و من أجزاء هذا الکتاب، أجزاء فی المكتبة الظاهرية بدمشق (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۰).

ذکر اشعار شاعرانی که در این شجره نامه از آنان یاد شده، از جمله نوشته های محشی در معرفی ابعاد شخصیتی افراد یاد شده است. مانند اشعار منسوب به امام حسین (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۰)، و نیز اشعاری از ابوالحسن عسکری از نوادگان عمر اشرف (ر.ک: تعلیقه های ص ۳۰۰). همین طور اشعار محمد بن اسعد بن علی بن معمر (تعلیقات ص ۳۱۳)، و اشعاری از سید رضی (تعلیقات ص ۲۲۵)، و از معد ابی تمیم (تعلیقات ص ۲۲۶)، و نیز از ابوالحسن علی عسکری در توصیف خاندان پیامبر (ر.ک: تعلیقات ص ۳۰۰). دربارهٔ تعلیقه های شعری این نکته هم نباید نادیده گرفت که اشعار زیادی هم در توصیف کسانی نوشته شده است.

۷. بخشی از تعلیقه ها دربارهٔ محدثان و صاحبان مکتب و مدرسه حدیثی از نسل ابوطالب و نیز صاحبان درس و بحث است. ذکر طبقات راویان و سنجش رجالی آنان، و همین طور کسانی که از آنها روایت کرده اند و نیز مروی عنه آنان و نمونه ای از روایاتشان، ذکر شاگردان و اساتید، از جمله افزوده های محشی بر کتاب است. روشی که از دوران های کهن رسم بوده و معرفی یک شخص و همین طور ذکر خدمات همه جانبه او و جایگاه حدیثی و یاد کرد از اساتید و شاگردانش می دانستند.

روش شناخت محدثان و طبقات آنان در اسناد حدیثی، از روش های رایج رجال شناسان است. این روش علمی، به پژوهشگران کمک می کند تا موقعیت و جایگاه محدث را درک کنند و میزان اعتبار او را به دست آورند. آیت الله، در این تعلیقه ها به این کار علمی نیز مبادرت کرده است. برای نمونه دربارهٔ راویان عمر اشرف از چند منبع نقل خبر کرده است (ر.ک: تعلیقه های ص ۲۹۸). همین طور سلسلهٔ راویان از موسی

و مروی عن‌های او را (ص ۹۸)، و راویان از امام باقر را مشخص کرده است (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۳). و در توصیف حسین اصغر، ضمن ذکر چند نمونه از روایات وی، نقل کرده که او تابعی بوده و آورده که: یروی عنه عبدالله بن المبارک و غیره (ر.ک: تعلیقات ص ۳۰۴). تعیین طبقه اشخاص در نقل حدیث و جرح و تعدیل آنان هم، از جمله نوشته‌هایی است که در راستای بحث از محدثان صورت گرفته است. مثلاً درباره موسی الجون از کسانی نقل کرده که: موسی از شخصیت‌هایی است که روایتشان از اهل بیت صحیح است (ص ۹۸).

گاه آیت الله مرعشی برای مسجّل کردن حدیث‌نگاری یک شخص، روایت و یا روایاتی را از او در نوشته‌های خود نقل کرده است، که حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. مانند روایاتی که امام حسین از جدّ بزرگوارش رسول خدا نقل کرده و نیز فاطمه دختر امام حسین از جدّش پیامبر، نقل کرده است (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۰). در همین راستا، ذکر نمونه اسنادی که شخص مورد نظر در سلسله آنها آمده نیز قابل توجه است. برای نمونه، روایتی که در آن، محمد حنفیه، در سند آن وجود دارد. فی کتاب المناقب للخوارزمی روایة فی سندها، محمد بن الحنفیة، و صورته هكذا: ... (تعلیقات ص ۳۴۵). و ذکر مصادر پاره‌ای از احادیث مانند خطبه حضرت زهرا که از چند طریق سند آن معرفی شده (ر.ک: تعلیقات ص ۳)، از دیگر موارد پرداختن به مباحث رجالی و حدیثی است.

۸ فضیلت‌نگاری درباره شخصیت مورد نظر، اعم از دانش و حکمت و فضیلت‌های اخلاقی و دینی. تکریم و تعظیم بزرگان خاندان ابوطالب، از دیگر نوشته‌های تعلیقه‌نگار گرامی است که به فراوانی در این نوشته وجود دارد. سنتی که در میان آموزه‌های دینی فراوان به چشم می‌خورد و در آنها از شخصیت‌های دینی تجلیل شده است. تکریم این شخصیت‌ها در متون دینی که غالباً به اولیای الهی مربوط است، معطوف کردن توجه مردمان به اینان است. در این تعلیقه‌ها، ذکر فضایل، بخصوص آنجا که از زبان مخالفان صورت گرفته، برجستگی یافته است. مانند ذکر فضایی از زبان معاویه درباره امام حسین (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۰)، و بازگویی فضایی از منابع عامه درباره امام سجاد و جهت ذوالخیرتین نامیده شدنش، سجده‌گزاری و ذکرش در سجده، فقه‌دانی و حجّ عارفانه‌اش (ر.ک: تعلیقات ص

(۱۸۱)، و همین طور شخصیت ایشان از منظر طبقات تابعان که از ابن تیمیه نقل کرده و آن حضرت را از بزرگان تابعان شمرده و از جهت علمی و دینی ستوده است (ر.ک: تعلیقات ص ۱۸۲). برای نمونه درباره جعفر الحجة، پسر عبیدالله اعرج، چنین آورده است: کان سیّداً شریفاً عفیفاً، عظیم الشان، رفیع المنزلة، جلیل القدر، عالی الهمة، عالماً عملاً فاضلاً كاملاً و رِعاً زاهداً صالحاً تقياً نقیاً، میموناً، قائماً لیلہ صائماً نهاره... (ر.ک: تعلیقات ص ۳۲۳)، و یا درباره سید ابوالمحاسن شمس الدین نوشته: کان اماماً فی علم النسب و الرجال و الحدیث و له کتب (ر.ک: تعلیقات ص ۲۲۸). در توصیف مؤید الدین علی بن الحسن نوشته است: انه کان من أعیان الأشراف و والده نظام الدین تولی نقابة الاشراف مدة و نظر بعلبک و عمّالها مدة اخرى و کان واسع النعمة کثیر الأملاک وافر الحرمة نزهاً عفیفاً فی حیاته و کان له مکانة عند الملك عماد الدین اسماعیل، و اما ولده مؤید الدین، صاحب هذه الترجمة، شاباً حسناً دمث الأخلاق کثیر الاحتمال و الخدمة لمن یصحبه بنفسه مع عظم بیته و عدم احتیاجه بل تحمله المروة علی ذلك (ر.ک: تعلیقات ص ۲۳۰).

۹. ایجاد پیوند میان شخصیت‌های معاصر و یا بعد از قرن نهم، با شخصیت‌های مورد بحث در کتاب. فاصله زمانی طولانی معاصران با نیاکان خود، کشف سلسله نسب آنان را مشکل می‌کند. کشف و اتصال آن، کاری است کارستان، و این در پاره‌ای از تعلیقه‌های آیت الله صورت گرفته است. نسل‌هایی از اولاد ابوطالب در کشورهای گوناگون دور و نزدیک پراکنده‌اند و زندگی می‌کنند، و ای بسا خود نیز از شجره‌نامه‌شان اطلاع دقیقی ندارند، و کم‌تر کسی توان کشف ارتباط نسلی هزار و پانصد ساله را دارد. در پاره‌ای از این نوشته‌ها این مهم به دست توانای این نسب‌شناس انجام شده است. این بخش از نوشته‌های آیت الله را شاید بتوان مهم‌ترین بخش تعلیقه‌ها از جهت نسب‌شناسی بشمار آورد. برای نمونه، در ذکر اولاد و خاندان محمد بن ابی العلاء مسلم احول، نوشته است: و من ذریته العلامة الأیب السیّد، عمدة الشرف أبو طاهر محمّد بن أبی البرکات محمّد بن زید و اشاره به جدّ اعلاّی وی، امام سجاد کرده است (ر.ک: ص ۳۲۲). نیز درباره نقیب مجد الدین ابوطالب، نوشته است: و الیه ینتهی نسب العلامة السیّد جمال الدین محمّد بن محمّد رضا و صورة نسبه هكذا:... (ر.ک: تعلیقات ص ۳۲۶). همین طور درباره شمس الدین سنان قاضی مدینه، نسب وی را تا سال ۱۲۷۴ بر شمرده و از نفر آخر یاد کرده که چند دختر داشته است (ر.ک: تعلیقات ص ۳۲۹).

در أعقاب عمر الاشراف پسر امام زین العابدین، نوشته که سادات لواسان و افجه و برخی از سادات طالقان، از نسل وی است: و من نسل عمر الأشراف، سادات لواسان و أفجه و بعض سادات طالقان (ر.ک: تعلیقات ص ۲۹۸). همین طور از سادات زلزله کویت یاد کرده، و رابطه دوستی خود را نیز با آن خاندان ذکر کرده و یادآوری نموده که تعدادی از آنها در کربلا زندگی می‌کنند (ر.ک: تعلیقه ص ۱۱۷). نیز ذکر نسب سادات مشهور به شرفاء الهندیین، که در تونس و الجزایر هستند، نوشته است: و لمحمد بن اسماعیل، ابن آخر اسمه علی و الیه ینتهی نسب السادة المعروفین بالشرفاء الهندیین فی بلاد تونس و الجزائر و نبغ فیهم علماء شعراء ادباء، فمن مشاهیرهم السید أبو العباس بن... المتوفی ۱۰۹۲ بتونس و له عقب معروفون... (ر.ک: تعلیقه ص ۳۲۴). همین طور در ذکر اولاد محمد بن اسماعیل، شاه نعمت الله ولی، شاعر و صوفی مشهور را ذکر کرده است. و منهم العارف الشهیر الشاه نعمة الله، قدوة الفرقة الشاه نعمت اللهیة بن عبدالله... بن محمد بن اسماعیل بن أبی عبدالله الصادق بن محمد الباقر - علیهما السلام... هذا هو الصحیح فی نسبه... و هو أعقب من السید برهان الدین خلیل الله الاوا الذی انتقل من ماهان کرمان الی دکن الهند و له عقب منهم... (تعلیقه صفحه ۲۲۴). و در ادامه به ذکر اولاد دختر و پسر شاه نعمت الله ولی پرداخته و تا قرن دوازدهم را توضیح داده است. نیز درباره برخی از سادات نراق در أعقاب عیسی بن علی بن الحسین الاصغر، که دارای چند پسر و از جمله عبدالله بن عیسی بود نوشته است: و الی عبدالله ینتهی نسب عدة من سادات نراق من أعمال بلدة کاشان و منهم من انتقل الی بیرجند من القائنات و فیهم العلماء و الأفاضل و الشعراء و من نوابغهم المعاصرین العلامة السید علی رضا الملقب بمصباح الشریعة تارة و الشهیدی اخری، عالم جلیل یسکن بلدة بیرجند، اجتمعنا به بلدة قم المشرفة ۱۳۸۳. ولد فی ۲۲ من جمادی الاولى سنة ۱۳۱۲ أخذ عن جماعة منهم العلامة آية الله الحاج الشيخ محمد البیرجندی، و العلامة الشيخ هادی البیرجندی، و العلامة الآیة الحاج میرزا محمد بن العلامة صاحب کفایة الاصول، و العلامة الآیة الحاج حسین الطباطبائی القمی و غیرهم. و هذا السید الجلیل ابن العلامة الحاج السید محمد المولود سنة ۱۲۷۳ و المتوفی سنة ۱۳۳۱. آن گاه در ادامه تعدادی از اعضای این خاندان را نام برده و مدفن آنها را مشهد الرضا معرفی کرده، و گفته از شخصیت‌های نابغه این خاندان سید محمد مشکوة استاد دانشگاه تهران است (ر.ک: تعلیقات ص ۳۰۸).

در اولاد طالب بن عمار بن مفضل طریش، نوشته است: و الیه ینتهی نسب العلامة السید احمد بن حبیب النجفی. و در ادامه، شجره‌نامه‌ی وی را تا طریش نوشته و آن‌گاه آثار و سفرهای نجفی را ذکر کرده و استاد او را یادآور شده و گفته است: و هذه الاسرة من أجلة بیوت النجف الأشرف - بارک الله فیهم - (ر.ک: تعلیقات ص ۳۲۰).

حاصل این که، حواشی و تعلیقه‌های آیت الله مرعشی رحمة الله علیه، بر کتاب عمدة الطالب جمال الدین حسینی، محصول سالیان درازی از تجربیات و اندوخته‌های نسب‌شناسی وی است که در لابه‌لای صفحاتی چند، به نگارش درآمده و اینک در اختیار دانش دوستان است. این نوشته‌ها، فراتر از هر چیزی، حکایت رنج دانش‌اندوزی و در عین حال لذت و شیرینی آن است، و از سوی دیگر، نشان عزم و همت بلند فرهنگبان نیک سیرت و دانش دوستی است که عمری را برای نشر میراث کهن و ماندگار دین و ایران سپری کرد. خدای بزرگ و مهرورز، با اجداد پاکش محشور گرداند. آمین.